

شالوده دانش

شالوده دانشی، مفهوم دانش، داوینپورت و پروساک، دانش معنوی و روحانی، اطلاعات (information)، کاربرد الگوی شالوده دانشی، شالوده دانشی، شالوده دانش

جامعه اطلاعاتی با افراد دانشور و سازمان های دانش کار سر و کار دارد. ویژگی این افراد و سازمان ها مهارت در خلق، پالایش، توزیع، به کارگیری و ارتقای سودمندان دانش مفید است. آن ها به ویژه می توانند از عهده مدیریت دانش که در سازمان های پیشرفته به یک وظیفه اساسی تبدیل شده است برآیند. هر دانش برای صاحب آن ترکیبی از شش عنصر است که شالوده دانشی وی را در حالت مطلوب تشکیل می دهند. آشنایی با این عناصر به افراد و سازمان ها کمک می کند تا ارزیابی درستی از ژرفای دانشی خود به دست آورده، برای غنابخشی به شالوده دانشی خود اقدام نمایند.

● مفهوم دانش

داوینپورت و پروساک در کتاب ارزنده مدیریت دانش می نویسند: اکثر مردم به طور شهودی فکر می کنند که دانش، وسیع تر، عمیق تر و غنی تر از داده ها و اطلاعات است. مردم معمولاً هنگام گفتگو درباره ی صاحبان دانش، تصویر کسانی را ارائه می دهند که در زمینه ای خاص دارای اطلاعاتی زیاد، عمیق و قابل اعتماد بوده و اشخاصی هوشمند و تحصیل کرده اند. دانش به هر معنا که باشد اعم از تکنولوژی است. به عبارت دیگر، تکنولوژی نوع خاصی از دانش است. هیچ تعریف یگانه ای از دانش در دست نیست. داوینپورت و پروساک در همان کتاب تعریفی از دانش ارائه کرده اند که چنین است: دانش، مخلوط سیالی از تجربیات، ارزش ها، اطلاعات موجود و نگرش های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می دهد. دانش در ذهن دانشور به وجود آمده و به کار می رود. دانش در سازمان ها نه تنها در مدارک و ذخایر دانش، بلکه در رویه های کاری، فرایندهای سازمانی، اعمال و هنجارها مجسم می شود. نویسندگان دیگری به نام های بلوار و لوسا در کتاب استراتژی مدیریت دانش و تکنولوژی خاطرنشان کرده اند که: ... دانش در نهایت همان فهم ما یا چیزی است که از آن به عنوان شالوده استفاده می کنیم. دانش، اساس نگرش ما به موضوعات مختلف و شالوده ی اقدامات ما است. از این رو می توانیم به خود جرات داده و مفهومی به نام شالوده دانشی (base knowledge) را به کار ببریم. اما افراد و سازمان ها چگونه می توانند که شالوده دانشی آن ها، در هر زمینه ای که کاری می کنند، چقدر کامل است؟ بلوار و لوسا، در کتاب اخیر، ابتدا خاطرنشان می کنند که خود دانش به انواع مختلفی تقسیم می شود که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت:

■ دانش به منزله ی انباشت تجربه

■ دانش به منزله ی انواع مهارت ها

■ دانش معنوی و روحانی

■ دانش فرهنگی سپس اجزای هر دانش را به شش لایه (عنصر) معرفت، فهم، اطلاعات، داده ها، واقعیت ها، و پدیده ها تقسیم می کنند. این ترتیب و توالی اهمیت خاصی دارد.

(۱) معرفت (wisdom)

معرفت یعنی توانایی تشخیص دادن (تمیز دادن) برای قضاوت. معرفت تشخیصی اساساً مبتنی بر درک تفاوت یا تفاوت هاست. معرفت به منزله ی توانایی تشخیص تفاوت هاست. معرفت، راهنمای فهم است. فهم نیز به نوبه ی خود موجد معرفت است.

(۲) فهم (understanding)

فهم یعنی توانایی شناختن برای درک، احاطه و گزینش اطلاعات بر اساس معرفت فهم در واقع به معنای شناخت معانی تلویحی (دلالت های) اطلاعات است. بر پایه فهم در می یابیم که دنبال چه اطلاعاتی بگردیم و اطلاعات را چگونه به کار ببریم، و می توان به معنای علائم اطلاعاتی پی برد. فهم، شالوده ی پژوهش است.

(۳) اطلاعات (information)

اطلاعات در حالت مفرد به یک ایده اطلاق می شود و اشاره به مفهومی دارد که در ضمیر خودآگاه هر فرد صاحب ایده شکل می گیرد. و در حالت جمع به مجموعه ای از مفاهیم و ایده ها گفته می شود. در معنای متعارف، اطلاعات عبارتست از: داده های گزینش و فیلتر شده که برای تصمیم گیری یا تقویت موقعیت کاربر به کار می رود. اطلاعات همان داده های کاربردی است که برای مقاصد مفید کاربر مورد استفاده قرار می گیرد. اطلاعات داده مفید است و ارزش آن ذاتاً به کاربر بستگی دارد.

(۴) داده ها (data)

داده ها به واقعیات سازمان یافته گفته می شود. داده ها بر واقعیات پردازش شده یا ساخت یافته دلالت دارد.

(۵) واقعیات (facts)

واقعیات بیان گر پدیده ها و معنابخش آن ها هستند. یک واقعیت به یک پدیده اشاره می کند در واقع واقعیت ها، پدیده ها را باز می شناسانند

۶) پدیده ها (phenomena)

پدیده ها یعنی آن چه که به نظر ما وجود دارد. پدیده ها در ادراک ما به صورت دانش آشکار می شوند.

● کاربرد الگوی شالوده دانشی

الگوی شالوده دانشی در واقع یک الگوی کاربردی است که افراد و سازمان ها می توانند برای غنی سازی شالوده دانشی خود از آن استفاده کنند. به کمک این الگو:

- ۱) می توانید توان دانشی خود یا سازمانتان را ارزیابی کنید و ببینید که اکنون در کدام لایه به سر می برید (بررسی وضع موجود).
- ۲) می توانید یک استراتژی برای غنی سازی شالوده دانشی خود یا سازمانتان اتخاذ کنید. حالت مطلوب این است که به مرزهای معرفت نزدیک شوید. افراد و سازمان ها به شرط آن که به مرز فهم نزدیک شوند می توانند کارها را درست انجام دهند ، که در ادبیات بهره وری از آن به کارآیی تعبیر می شود، اما بهره وری شامل یک مولفه اساسی دیگر نیز است که کارآمدی یا اثربخشی نامیده می شود و به معنای انجام کارهای درست می باشد، کارآمدی وقتی حاصل می شود که فرد یا سازمان به مرحله معرفت برسد.